پنجشنبه ۱۲ تیر ۱۴۰۴
شماره ۴۴۵۱
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

دربارهٔ تیپ شخصیتی موجوداتی مانند ترامپ چه می‌دانیم؟

روان‌کاوی یک شومن

علی مزروعی
خبرنگار گروه سیاست

ترامپ تعادل روانی ندارد. این گزاره شاید در ابتدا کنشی برای تخلیه خشم نسبت به عملکرد او تعبیر می‌شد، شبیه ناسزایی که از سر خشم بیان شود. اما هر چه بروز و ظهور رسانه‌ای رئیس جمهور آمریکا بیشتر شد، افراد بیشتری به این نتیجه رسیدند وضعیت روحی و روانی ترامپ از وضعیت نرمال فاصله بسیاری دارد. به شکلی روشن ترامپ خودشیفته است. خودبزرگ‌بینی عجیبی دارد و خود را به مثابه یک برند در دنیا بزرگ می‌کند. ساخت و تبلیغ عطری با نام خودش فقط بروز کوچکی از این خودشیفتگی است. او هر رویداد و تصمیم و موضع سیاسی را با محور فردی خود مطرح می‌کند، حتی اگر در واقعیت هیچ اختیاری در آن حوزه نداشته باشد. «من اجازه می‌دهم چین نفت ایران را ببخرد!» یا خود را محور همه اتفاقات جهان معرفی می‌کند، از جنگ روسیه و اوکراین تا حتی تصمیم ایران برای پایان حملات به اسرائیل. همیشه حق به جانب حرف می‌زند، دیگران را تحقیر می‌کند، از جو بایدن که هدف تمسخر او بود تا ضیافت تحقیری که برای زلنسکی در کاخ سفید برپا کرد. از سویی دیگر ترامپ تناقض‌های متعدد در مواضع خود دارد و به فاصله یک روز می‌تواند حرف قبلی خود را نقض کند. همزمان که می‌گوید دیدار دو جانبه با مقامات ایران بگذاریم، مردم تهران را تهدید می‌کند که شهر را ترک کنند! یک روز می‌گوید دنبال تغییر حکومت در ایران نیستیم و روزی دیگر می‌گوید حکومت ایران باید برود. یک روز تأکید دارد برنامه هسته‌ای ایران نابود شده و روزی دیگر می‌گوید باید میزان خسارت بررسی شود. او چنان با خودش هم متناقض است که رسانه اسرائیلی هیوم افشا کرد که نتانیاهو به نزدیکان خود گفته است که رفتار ترامپ در موضوع خاورمیانه با حرف‌هایی که در نشست خصوصی می‌زند، متفاوت است. تملق‌پذیری و شیفتگی به شنیدن مدح خود هم یکی از ویژگی‌های ترامپ است که البته بسیاری اهل سیاست هم آن را دریافته‌اند و با چاپلوسی مقابل او تلاش می‌کنند به اهداف خود برسند. از جمله دبیر کل ناتو که ذوق‌زده از حملات نظامی به خاک ایران در پیامی تملق‌آمیز، از ترامپ به خاطر تجاوز نظامی به ایران تشکر و تقدیر کرد و سپس در اجلاس ناتو هم او را کسی خواند که پدرانه درگیری بین ایران و اسرائیل را پایان داد؛ و باعث شد قند در دل ترامپ آب شود!

ترامپ علاقه زیادی هم به نمایش خود برابر جهانیان و تیتر شدن در رسانه‌ها دارد. شاید اولین انگیزه خزعبلاتی که در صفحه مجازی‌اش می‌نویسد، همین مشغول کردن جهان به خود باشد. شهرت را دوست دارد، گرچه منفی باشد. واکاوی شومن‌بازی‌های ترامپ موضوع این گفت‌وگو است.

در مصاحبه‌ای با محمدرضا ایمانی، روانشناس و متخصص رفتارشناسی، به بررسی الگوهای رفتاری و تأثیر آن‌ها در تعاملات دیپلماتیک و ارتباطات بین‌المللی پرداخته‌ایم. ایمانی با تکیه بر مدل علمی دیسک (DISC)، که رفتارها را در ۱۲۰ لایه و ۱۵ تیپ شخصیتی تحلیل می‌کند، توضیح می‌دهد که چگونه شناخت دقیق ویژگی‌های رفتاری افراد، از جمله سیاستمدارانی مانند دونالد ترامپ، می‌تواند در مواجهه با آن‌ها مؤثر باشد. او تأکید می‌کند که افرادی با تیپ‌های D (سلطه‌گر) و I (تأثیرگذار)، مانند ترامپ، به دنبال کنترل، دیده شدن و ستایش هستند. این افراد در صورت ناکامی، ممکن است به‌شدت واکنش نشان دهند یا علیه دیگران قرار گیرند. ایمانی در ادامه به سبک دیپلماتیک ترامپ اشاره می‌کند که شیک‌پوشی، برندپوشی و موضع قدرت برایش اهمیت دارد. او با مثال‌هایی از تعاملات ترامپ با پوتین و زلنسکی نشان می‌دهد که رفتار از موضع قدرت برای چنین افرادی جذاب است، در حالی که ضعف می‌تواند واکنش‌های شدیدی به دنبال داشته باشد. ایمانی هشدار می‌دهد که فقدان استفاده از رفتارشناسی در دیپلماسی ایران، به‌ویژه در هماهنگی گفتار مقامات، می‌تواند آسیب‌پذیری کشور را افزایش دهد. تنوع اظهارنظرها از سوی نمایندگان، رسانه‌ها و چهره‌های مختلف، بدون انسجام با سیاست‌های کلان، باعث سردرگمی طرف‌های خارجی می‌شود و هزینه‌های سنگینی به همراه دارد. او پیشنهاد می‌کند که با بهره‌گیری از دانش روان‌شناسی در انتخاب کلمات و زمان‌بندی گفتار، می‌توان اثرات منفی را تا حد زیادی کاهش داد.

■■■

به طور کلی انسان‌ها مطابق با چه الگوهای رفتاری تقسیم‌بندی می‌شوند؟

ما مفهومی داریم به نام رفتارشناسی که بر پایه الگوهای رفتاری بنا شده است. در این رویکرد، رفتارها در ۱۲۰ لایه مختلف تحلیل می‌شوند و ۱۵ تیپ رفتاری شناسایی شده‌اند. ما به‌طور کامل می‌دانیم که فردی مانند آقای ترامپ کیست، چه ویژگی‌هایی دارد، چه تیپ رفتاری‌ای است، چگونه باید با او رفتار کرد، چگونه باید با او مذاکره کرد، چگونه باید با او ارتباط برقرار کرد، چه چیزهایی باید به او گفت و چه چیزهایی نباید گفت. مسئله این است که آیا در مواجهه با چنین افرادی از دانش رفتارشناسی و تحلیل الگوهای رفتاری استفاده می‌کنیم یا خیر؟ آیا در مذاکرات، در برقراری ارتباط، یا در سیگنال‌ها و پیام‌هایی که ارسال می‌کنیم، از این دانش بهره می‌بریم؟ پاسخ این است که بله، در کشورهای مختلف، مشاورانی در کنار سیاستمداران حضور دارند که به آن‌ها سیگنال‌ها و توصیه‌هایی ارائه می‌دهند. این الگوهای رفتاری برایشان بسیار اهمیت دارد. ما از این الگوهای رفتاری در حوزه‌های مختلفی مانند استعدادیابی، ارتباطات، بازاریابی، فروش و حتی در زمینه‌هایی مثل ازدواج، تصمیم‌گیری‌های بزرگ و کسب‌وکار استفاده می‌کنیم. اگر بخواهیم در این چهارچوب صحبت کنیم، این موضوع کاملاً علمی است و می‌توان درباره آن به‌صورت دقیق و مستدل بحث کرد. اما در مورد چهره‌شناسی شخص ترامپ، موضوع کمی متفاوت است؛ این حوزه تا حدی به شهود وابسته است. برخی چیزها را می‌توان از چهره‌شناسی برداشت کرد، اما برخی دیگر خیر، زیرا افراد ممکن است بخشی از ویژگی‌های خود را پنهان کنند.

براساس چه مدلی می‌شود می‌توان رفتار افراد را دقیق‌تر تحلیل کرد؟

بر اساس علم روز دنیا در رفتارشناسی، ما با خروجی رفتار افراد سروکار داریم. این خروجی‌های رفتاری در کجاها بروز پیدا می‌کنند؟ در نحوه راه رفتن، نشستن و برخاستن، مکالمات، لباس پوشیدن و فرایند ارتباط و تعامل با دیگران. وقتی ما این رفتارها را تحلیل می‌کنیم، به حرکات چهره، حرکات دست، نوع لباس، سبک دست دادن و نحوه ایستادن توجه می‌کنیم. تمام این مشاهدات و مستندات را با نتایجی که از یک فرد انتظار داریم، تطبیق می‌دهیم. در رفتارشناسی، چهار مؤلفه یا شاخصه اصلی داریم که به مدل دیسک (DISC) معروف است.

الگوهای رفتاری دیسک (D-I-S-C) که به اختصار به آن «دیسک» می‌گوییم، شامل چه مواردی است؟

ما در این مدل، ۱۵ تیپ رفتاری را ارزیابی می‌کنیم. افرادی با تیپ D سلطه‌گر یا (Dominance) کسانی هستند که تسلط‌گرا هستند و می‌خواهند همه‌چیز تحت مدیریت و کنترل آن‌ها باشد. افرادی با تیپ I تأثیرگذار یا (Influence) کسانی هستند که به دنبال تأثیرگذاری‌اند. آن‌ها در مکالمات، شوخی کردن، روحیه هنری و سبک ارتباطی که با دیگران دارند، بسیار برجسته‌اند. حتی نوع لباس پوشیدنشان نیز متفاوت است. به‌اصطلاح، این افراد سبک رفتاری خارج از عرف و قاعده دارند. مثلاً تیپ‌های هنری را می‌بینید که لباس‌های خاص می‌پوشند، یا تتو دارند چیزهایی که هرکسی انتخاب نمی‌کند.

افراد با تیپ C محاسبه‌گر یا (Conscientiousness) بسیار مبادی آداب هستند. این افراد کاملاً دیپلماتیک رفتار می‌کنند، حسابگر و محتاطند و استانداردها برایشان اهمیت زیادی دارد. این افراد معمولاً در رشته‌های فنی دیده می‌شوند، بسیار متمرکزند، کمتر صحبت می‌کنند، همه‌چیز را رصد می‌کنند و قوانین و مقررات برایشان بسیار مهم است. افراد با تیپ S ثبات‌گرا یا (Steadiness) به‌شدت وظیفه‌گرا هستند. این افراد معمولاً در انجمن‌های حمایت از محیط‌زیست، حفاظت از حیوانات، یا فرایندهای منابع انسانی نقش پررنگی دارند. تعاملات انسانی برایشان بسیار مهم است، فوق‌العاده صمیمی‌اند و روحیه ایثارگری و فداکاری در آن‌ها بسیار دیده می‌شود. هر یک از این تیپ‌ها در جایگاه خود معانی خاصی دارند. نمی‌توان گفت که هیچ‌کدام از آن‌ها خوب یا بد هستند. هر کدام در جای خودشان خوب هستند و اگر در جایگاه نادرستی قرار بگیرند، ممکن است نامناسب به نظر برسند.

فردی با ویژگی‌های ترامپ در کدام تیپ رفتاری جای می‌گیرد؟

فردی با ویژگی‌های شخصیتی مانند آقای ترامپ، که ترکیبی از تیپ‌های D (سلطه‌گر) و I (تأثیرگذار) در مدل دیسک را دارد، هم سخنانی کنایه‌آمیز می‌گوید و هم در صحبت‌هایش به دنبال جلب توجه و تأثیرگذاری بر دیگران است. می‌توان گفت که دوستان و تیمی که با او کار می‌کنند، برایش بسیار مهم هستند. او به‌شدت برانگیخته و پرشور است، دوست دارد همه‌چیز تحت کنترلش باشد، مورد ستایش و توجه قرار گیرد و دیده شود. او فردی است که به سرعت می‌خواهد کارها را انجام دهد و به نتیجه برساند. اما وقتی به نتیجه مطلوب نمی‌رسد، با مشکلات و چالش‌هایی مواجه می‌شود. اگر فرد یا سیستمی بخواهد او را کنترل کند یا اشکالات و ایراداتش را جلوی چشمانش بیاورد، به‌شدت با آن مقابله می‌کند. این افراد که بیشتر دوست دارند دیده شوند و مورد تحسین و توجه قرار گیرند، از اینکه کسی عیوبشان را ببیند، به‌ویژه در سطح جامعه یا در جوامع بین‌المللی مطرح کند، به‌شدت واکنش نشان می‌دهند و حتی ممکن است دردسرهایی ایجاد کنند. در تعامل و ارتباط با این افراد، رفتار باید به‌گونه‌ای باشد که هم قدرت و برتری را نشان دهد و هم امکان مذاکره وجود داشته باشد. مذاکره برد–برد برای این افراد مهم است، یعنی باید احساس کنند که منافعشان تأمین می‌شود و در عین حال منافع طرف مقابل نیز برآورده می‌شود. اگر این سبک رفتاری در تعاملات و ارتباطات با این افراد رعایت شود، با کمی سیاست‌ورزی و رفتار کنترل‌شده، می‌تواند بسیار کمک‌کننده باشد. اما برخی افراد در تعامل با این تیپ شخصیتی تناقضاتی ایجاد می‌کنند یا دو پهلو رفتار می‌کنند، که این برای چنین افرادی خوشایند نیست. در عرصه دیپلماتیک، مثلاً آقای زلنسکی از نظر عرف دیپلماتیک نوع لباس پوشیدنش مناسب نیست. اما آقای ترامپ فردی قدرتمند است، شیک لباس می‌پوشد، برند می‌پوشد و باید به چشم بیاید و دیده شود. افرادی که با او از موضع قدرت رفتار می‌کنند، برایش دلچسب و جذاب هستند و او دوستشان دارد. مثلاً تعاملات و ارتباط او با آقای پوتین بسیار خوب است، چون پوتین از موضع قدرت با او رفتار می‌کند. اما کسی که از موضع ضعف در مقابل او قرار می‌گیرد، برایش جذاب نیست و حتی به او توجهی نمی‌کند. مثلاً وقتی کنار کسی نشسته که از موضع ضعف صحبت می‌کند، به او نگاه نمی‌کند، حتی اگر آن فرد سمت راستش نشسته باشد، به هیچ‌عنوان به او توجه نمی‌کند. در موردی دیده شده که وقتی زلنسکی با صدای آرام با معاون ترامپ صحبت می‌کرد ترامپ وارد بحث شد و کاملاً او را مورد تهدید و تمسخر قرار داد.

پاشنه آشیل‌ها و نقاط ضعف فردی مثل ترامپ چیست؟

این افراد به‌شدت دوست دارند در عرصه رسانه‌ای دیده شوند و بگویند: «من هستم که دنیا را نجات می‌دهم»، «من هستم که کارها را به سرانجام می‌رسانم»، یا «من این پروژه را به نتیجه رساندم». آن‌ها افرادی تمام‌کننده هستند. این افراد که بسیار تسلط‌گرا عمل می‌کنند، به همان نسبت نقاط ضعف یا پاشنه آشیل دارند. اگر منافعی برایشان ایجاد شود، می‌توانند فوق‌العاده مهربان باشند و به دوستانشان کمک کنند. دایره دوستی و ارتباطاتی که برایشان تعریف شده، برای آن‌ها بسیار مهم است و برای افراد این دایره همه‌کار می‌کنند، اما فقط تا زمانی که منافعشان تأمین شود. اگر منافعشان تأمین نشود، کاملاً علیه شما قرار می‌گیرند. وقتی رفتار چنین فردی را تحلیل می‌کنیم، مثلاً وقتی می‌گوید: «من از معاهدات بین‌المللی خارج می‌شوم» یا «از معاهده پاریس خارج می‌شوم»، باید به این توجه کنیم که معاهده پاریس چه چیزی را دنبال می‌کند. این معاهده بر اهمیت محیط‌زیست و گرمایش زمین تأکید دارد و می‌گوید هر کشوری باید سهمی در مدیریت این مسائل داشته باشد. اما چنین فردی چه می‌خواهد؟ او به دنبال افزایش منافع اقتصادی، مالی و گردش مالی کشورش است. بنابراین، وقتی احساس می‌کند دستش بسته شده، ساده‌ترین کار برایش این است که زیر میز بزند و از معاهده خارج شود، همان‌طور که این کار را انجام داده است. اما چون تصمیم‌گیری‌هایش سریع است، گاهی دچار خطاهای بزرگ می‌شود. به‌سرعت پشیمان می‌شود، مثلاً تعرفه‌ها را بالا می‌برد، اما وقتی می‌بیند که این کار هزینه‌های زیادی برای خودش ایجاد می‌کند، مثل اتفاقی که برای شرکت اپل افتاد، به‌سرعت عقب‌نشینی می‌کند و به جایگاه قبلی خود باز می‌گردد.

در مورد اروپایی‌ها ما یک تبعیت مطلق را حداقل در ظاهر شاهد هستیم آیا این با تعبیری که از قدرت دوستی ترامپ توصیف کردید در تناقض نیست. این کشورها چگونه با تبعیت مطلق منافعشان را حفظ می‌کنند؟

اروپایی‌ها با حوصله با چنین فردی ارتباط برقرار می‌کنند. آن‌ها خط‌مشی‌هایی را تعریف می‌کنند، آرام مذاکره می‌کنند و مسائل را به‌صورت رسانه‌ای یا در جمع مطرح نمی‌کنند. در مذاکرات پنهانی، به دنبال تأمین منافع او هستند. در این حالت، این فرد احساس می‌کند برگ برنده را در دست دارد و جو رسانه‌ای را کنترل می‌کند، اما پشت پرده، منافعی که می‌خواهد تأمین می‌شود. اما اگر در فضای رسانه‌ای کسی در مقابلش قرار گیرد، او را نادیده بگیرد، تحقیر کند، یا زیر سؤال ببرد، به‌شدت واکنش نشان می‌دهد. اینجاست که اروپایی‌ها با سیاست رفتار می‌کنند. مثلاً در مواردی دیده‌ایم که وقتی اسرائیل خارج از چهارچوب عمل کرده، او به‌شدت با آن‌ها برخورد کرده مثلاً در ماجرای دادگاه نتانیاهو صریحاً هشدار داد در صورت برگزاری آن کمک‌های مالی خود را قطع می‌کند تا بتواند نتانیاهو را در قدرت حفظ کند. این افراد به‌شدت به دنبال جمع‌گرایی و تأمین منافع خود هستند. آن‌ها باید نتیجه‌ای را که به آن رسیده‌اند، به عمل برسانند و بازخوردش را دریافت کنند.

ما چگونه باید از رفتارشناسی علمی در حوزه سیاسی بهره ببریم؟

ما در بحث‌های دیپلماتیک خود از تحلیل رفتار و ویژگی‌های افراد استفاده نمی‌کنیم. دنیای روان‌شناسی می‌تواند به ما کمک کند تا در انتخاب کلمات، واژگان، گفتار و نوشتار خود بدانیم چه چیزهایی را در چه زمانی و به چه شکلی بیان کنیم تا کمترین آسیب و عوارض برای خودمان به دنبال داشته باشد. یکی از مسائلی که در کشورمان با آن مواجه هستیم این است که صحبت‌های زیادی وجود دارد و افراد زیادی اظهارنظر می‌کنند. معمولاً در دنیا، کشورها یک سخنگوی دولتی، یک سخنگوی وزارت امور خارجه و یک وزیر امور خارجه دارند. در شرایط خاص، بنا به ضرورت، وزارت دفاع یا سخنگوی آن صحبت می‌کند، یا رئیس جمهور بر اساس شرایط موجود اظهارنظر می‌کند. در کشور ما، مقام عالی، یعنی مقام معظم رهبری، سیاست‌ها را تبیین می‌کنند و برنامه‌ها را مشخص می‌کنند، اما اینکه چه کسانی صحبت می‌کنند، بسیار اهمیت دارد. وقتی در کشورمان صحبت‌ها و بحث‌های متنوعی وجود دارد و تنوع دیدگاه‌ها دیده می‌شود، این ممکن است نشان‌دهنده عدم همخوانی با سیاست‌های اصلی ما باشد. این موضوع باعث افزایش آسیب‌پذیری ما می‌شود. کشورهای دیگر نمی‌دانند با چه چیزی مواجه هستند، با چه کسی طرف هستند و در نهایت، با این همه سر و صدا و صحبت‌های مختلف در کشورمان، چه اتفاقی قرار است بیفتد. می‌بینیم که این تنوع اظهارنظرها تأثیرگذار هم است. نمایندگان مجلس، سیاستمداران، استادان دانشگاه و حتی رسانه‌های ما هر کدام حرفی می‌زنند و نظری ارائه می‌دهند. چیزی که در این میان بسیار اهمیت دارد، منافع کلی کشورمان است. نگاه حاکمیت به تنوع دیدگاه‌ها چیز بدی نیست، اما قاعدتاً ما در کشورمان با مسائل پیچیده‌تری مواجه هستیم و هزینه‌های آن را نیز پرداخت می‌کنیم.

رسوایی؛ علاج اپوزیسیون کرایه‌ای

ادامه از صفحه یک

به عبارت دیگر، ملت وقتی امام حسینی می‌شود، ایران و عشق به اهل بیت را با هیچ چیز دیگر عوض نمی‌کند. اشکان خطیبی و افرادی نظیر او این مهم را درک نمی‌کنند، زیرا «صفر جلوی عدد»، پول روی پول گذاشتن و در نتیجه، «زیست رخت‌خوابی» پرده ضخیمی را جلوی دید آدمی قرار می‌دهد که عملاً نمی‌تواند واقعیت‌های ملموس و عادی دنیای پیرامونش را به‌درستی فهم کند و بپذیرد که اصالت افراد معتقد، دغدغه‌مند و ملی هنوز بدل به کالایی کم‌ارزش نشده است. اشکان خطیبی با بازی در سریال‌های صداوسیما نبود که بدل به یک بازیگر شناخته‌شده تلویزیونی شد، بلکه این حضورش در موزیک‌ویدئو «یه مسجد» با صدای امیر تاجیک به‌مناسبت انتفاضه دوم مردم فلسطین بود که وی را به ایرانیان معرفی کرد! خطیبی در آن کلیپ در جایگاه عامل عملیات استشهادی به دل دشمن صهیونیستی زد و اکیپ آن‌ها را از بین برد. ولی بازی در موزیک‌ویدئو «یه مسجد» باعث نشد تا مدیر اسبق پردیس چارسو همین راه را ادامه دهد و بدل به هنرپیشه‌ای ارزشی و حزب‌اللهی شود.

اشکان خطیبی با کارنامه به‌اصطلاح هنری خویش در ادامه به مخاطبانش نشان داد که او نه‌تنها هیچ اعتقادی به شهادت‌طلبی و مبارزه با شیطان مجسم روی زمین ندارد، بلکه مانند بسیاری دیگر از سلبریتی‌ها با محاسبه سود و زیان شخصی قدم در این راه نهاده است. البته ایرادی هم به انتخاب او وارد نیست و هرکس مخیر است تا بر اساس توانایی‌ها و علایقش جاده زندگی‌اش را طی کند، اما مسئله از جایی که آدم‌های هرهری‌مذهب، حزب‌باد و فرصت‌طلبی نظیر اشکان خطیبی به‌یک‌باره و به تشخیص خود در مقام رئیس دادگاه افکار عمومی برای دیگران باید و نباید تعیین می‌کنند جالب می‌شود. کسی که هیچ‌وقت غمخوار مردمش نبوده و تنها به‌خاطر خوش‌خوشان لشکر فحاش مجازی در حول‌وحوش بلوای «زن، زندگی، آزادی» تبدیل به «ویکتور خارا» مناطق صعب‌العبور شده و الان به شکرخوری افتاده، حق ندارد در مورد محسن چاوشی که همچنان در یک‌خانه ۹۰ متری اجاره‌ای زندگی می‌کند تهمت بزند که برای حمایت از مردم کشورش از دستگاه‌های ذی‌ربط میلیاردی دستمزد گرفته است.

اتفاقات ۱۴۰۱ و جنگ تحمیلی آمریکا و سگ هار منطقه‌ای‌اش علیه جان و مال و ناموس ایرانیان، دروغ بزرگ دنیای آزاد و حامیان بی‌چاک‌ودهنش را عیان‌تر از گذشته برای ما عیان کرد. وطن، برای امثال اشکان خطیبی و حمید فرخ‌نژاد تا جایی اهمیتش را حفظ می‌کند که بتواند منافع آن‌ها را به جا آورده و نقد کند، وگرنه بودونبود «ایران» و مردمش اگر حرف این جماعت را نخوانند چندان توفیری برایشان ندارد. تولیدات فرهنگی – هنری ما از آثار تلویزیونی در رسانه ملی گرفته تا سینمای ارگانی، بخش خصوصی و پلتفرم‌ها تبدیل به قلک این افراد شده و آن‌ها بدون پس‌دادن هیچ حساب و کتابی، مدام در حال مصرف کردن «ایران» و مردمانش هستند، پس نه‌تنها نمی‌توانند به شکل خودخوانده در صندلی قضاوت افکار عمومی بنشینند، بلکه باید به‌دلیل تحریک جوانان رشید این سرزمین به انجام اعمال مجرمانه، به‌جای آن‌ها محاکمه شوند، زیرا در این مورد به‌خصوص سبب اقوی از مباشر است. جرم اشکان خطیبی، حمید فرخ‌نژاد، احسان کرمی و باقی فارسی‌زبانان انیرانی البته سنگین‌تر از دیگر شهروه‌هاست، چون آن‌ها در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه عملاً به یار کمکی نتانیاهو و ترامپ بدل شدند و مرز میان وطن‌دوستی و ستون پنجم شدن را برای ایرانیان به‌وضوح مشخص کردند. ایرانی که اشکان خطیبی از آن دم می‌زند، کشوری است که چاره‌ای جز بازی در نظم نوین غربی و آمریکایی آن هم در نقش برده ندارد و هر شکلی از مقاومت و استقلال‌طلبی در میان شهروندانش باید با شدیدترین الفاظ، لجن‌مال و اگر این رویه جواب نداد با بمب و موشک جواب داده شود. گول اشک تمساح این هنرمندان جعلی و وطن‌پرستان کرایه‌ای و فصلی را نخورید، آن‌ها اگر منافع خود را در خطر ببینند، حاضرند در ائتلافی همه‌جانبه علیه خانواده و کشورشان متحد شوند و ایران اینترنشنال و رسانه دولتی آمریکا (رادیو فردا) را برای رسیدن به اهدافشان به بازی بگیرند، پس بهتر است سکوت پیشه کنند و به هنرمندان واقعی ملت امام حسین (ع) تهمت نزنند که بد می‌بینند.